

روی سرخ حنا در کارگاه‌های سبز مازاری

با یکی از حناساب‌های قدیمی که ۴۰ سال است در کوچه‌مشهور مازاری‌های یزد مشغول تولید حناست

درباره‌این گذر و صفر تا صد تولید حنا گفت‌وگو کردیم

اکرم انتصاری | روزنامه‌نگار

پرونده

در یزد نه‌حناپود و نه‌سنگ که حناسابی راه‌بیندازند و چپانی‌اش کنند. برگ‌های حنار از کرمان و سیستان و بلوچستان آور دند و سنگ‌راهم از مهریز. معماران همت کردند و کارگاه‌هایی را در دل هم ساختند که سقفش یک گنبد بود یا چند روزه. می‌دانستند که فقط این طور می‌توانستند نور خورشید را به کارگاه برسانند تا هم‌نم حنار بگیرند و هم قدری هوا بیاید و برود. مازاری در لغت به‌معنی عطاری است. در یزد به‌سنگ‌های آسیاب مازار می‌گویند و به حناسابی‌ها، مازاری. گذری به‌همین اسم در یزد وجود دارد که پای‌تان را به تاریخ باز کرده و سفر گیاه حنا از دشت‌های کرمان و سیستان و بلوچستان را به کارگاه‌ها و آسیاب‌های سنگی و بزرگ این شهر روایت می‌کند. در گذر مازاری‌ها بوی حنای تازه تا هفت گذر آن طرف‌تر پیچیده و می‌رود تا مغز سرت. صدابه‌صدانمی‌رسد و هوا غباری از حنا دارد. یک آسیاب به‌شکل سنگِ دوار خیلی بزرگ که یک سرش به یک محور وصل است و سر دیگرش به یک موتور می‌رسد همین‌طور روی زمین می‌چرخد. یک دستک بیل مانند هم به‌سنگ وصل است که برگ‌های حنا را به‌مرکز این دود دستگاه می‌رساند تا برگ‌های حنا آسیاب شوند. کمی این طرف‌تر هم بساط حناهای آسیاب‌شده پهن است و بسته‌بندی و مهرهای سنتی که روی کیسه‌های پارچه‌ای می‌زنند. امروز قرار است با زندگی سلام به یزد، گذر مازاری‌ها و حجره آقای علی جوشن سفر کنید. او ۴ دهه‌از عمر ۶۷ ساله‌اش را در گذر مازاری‌ها و شغل پدری‌اش صرف کرده و یکی از مازاری‌های قدیمی گذر است. هر چند این گذر مانند قبل پررونق نیست و بعضی در کنار حنا، ادویه هم می‌سایند اما هنوز قصه‌های زیادی از حنا که راوی بخشی از فرهنگ ایران کهن است، در این گذر پیدا می‌شود. آقای جوشن می‌گوید این گذر حدود سال ۱۳۱۵ یک زمین‌بایر بوده و بعد به همت والیان آن دوره به ۲۰ کارگاه یک‌شکل و گذر مازاری‌ها تبدیل‌شده است که تنها در پرداخت نهایی و نماها فرقی‌هایی دارند.



حنار ا درو نکنند

درخت می‌شود

گیاه حنا برای این که حنا شود یک سفر طولانی را پشت سر می‌گذارد. گیاه حنا در ایران بیشتر در جنوب شرقی کشور کاشته می‌شود؛ از بهم جیرفت و ایرانشهر تا دکن و نزدیکی‌های بندرعباس و اطراف دریاچه جازموریان. آقای جوشن یکی از مازاری‌های قدیمی یزد در باره کشت حنا می‌گوید: «ریشه حنا شاید ۴۰، ۵۰ سال روی زمین بماند. اگر حنار ا درو نکنند یک درخت بزرگ می‌شود. حنار ا در مناطق گرمسیر تر سالی سه بار و در مناطق سردسیر سالی دو بار از یک سانتی‌متری زمین درو می‌کنند و ساقه‌هایشان در همین مدت گاهی به رنگ قهوه‌ای و چوبی درمی‌آید. حنای درو شده را به شکل خاصی کنار مزرعه می‌گذارند تا خشک شوند و با یک شیوه مخصوص می‌کوبند تا برگ‌ها تا از ساقه جدا شود ولی پودر نشود. در این مرحله شاید برگ‌ها کمی بشکنند. در نهایت برگ‌های حنار ا غربال می‌کنند و برای ما می‌فرستند. آن چیزی که ما می‌خریم باید تقریباً برگ حنای خشک و خرد شده و بدون ساقه و هر چیزی باشد. این بستگی دارد به غیرت کشاورز که در مزرعه‌اش علف باشد یا نباشد و چقدر حنار ا غربال و دوباره خشک کند. دروی حنا تخصص می‌خواهد و مهم است که حنا را به‌موقع درو کنند تا هم رسیده باشد و هم رنگش زرد نباشد. گیاه حنا اگر خیلی رسیده باشد زرد می‌شود و اگر زودتر برداشت شود رنگ کمی دارد.»

مشتري حنار ا به اعتبار مَهرش می‌خرد

کار برگ‌های حنا بعد از رسیدن به کارگاه مازاری‌های یزد بعد از درو، خشک کردن و غربال، تازه شروع می‌شود. آقای جوشن که کار هر روز و هر سالش با حنا گرّه خورده است ادامه سفر حنار ا این‌طور روایت می‌کند: «برگ حنا بر اساس این که در کدام منطقه کاشته می‌شود از نظر ویژگی‌های ریز با هم متفاوت است. یکی زودتر رنگ می‌دهد، یکی دیرتر. یکی پرنگ‌تر است و یکی کم‌رنگ‌تر. یک گیاه دوام رنگش بیشتر است و یکی کمتر. دروی حنا هم متفاوت است. مثلاً اوج دروی اول حنا، آخر خرداد است، دروی دوم مرداد و شهریور و دروی سوم آبان و آذر. من و همکارانم سعی می‌کنیم ترکیبی از این حنا را بدهیم تا محصولی که می‌خواهیم به مردم عرضه کنیم یکنواخت باشد. مثلاً مشتری ما عادت کرده حنا نیم ساعت روی سرش بماند و زمان رنگ‌دهی و میزانش دستش آمده. ما سعی می‌کنیم ترکیبی از این عوامل داشته باشیم تا حنا یکنواخت باشد. وقتی برگ حنا وارد کارگاه ما می‌شود ممکن است مال دلاگان، ایرانشهر یا جیرفت باشد. ما وقتی می‌خواهیم حنار ا بساییم ترکیب خاصی از حناهای هر منطقه را برمی‌داریم تا حنای یکنواختی که گفتیم به‌دست‌بیاید.» جوشن صاحب دو مهر اخوت و زکریا اضافه می‌کند: «هر کارگاه مازاری برای خودش مهر دارد و مشتری به اعتبار مهرش حنار ا می‌خرد. مثل شما که همیشه برای خودتان از یک برند شوینده می‌خرید و به اعتبار یک برند، چای انتخاب می‌کنید.»

بعد از الک حنا، نوبت چربی‌زدن است

برگ‌های حنا باید در یک زمین سرد و خشک ساییده شود چون با گر موقع ساییدن، داغ‌شود به دردمنی خورده، رنگ می‌بازد، بویش می‌پرد و عطرش تمام می‌شود. آقای جوشن همه این‌ها را با لهجه خوش یزدی می‌گوید و فرایند تبدیل شدن برگ حنا به پودر را توضیح می‌دهد: «سنگ مازار باید به آرامی بچرخد تا برگ‌ها در حین ساییده شدن، داغ نشوند. قدیم‌ها پهنای سنگ‌ها کمتر بود تا شتر زور چرخاندنش را داشته باشد اما الان موتورهای برقی جای شترها را گرفته و سنگ‌ها پهن‌تر شده است. از وقتی برگ‌ها به آسیاب ریخته می‌شود معمولاً سه، چهار ساعت باید زیر آسیاب باشد تا پودر شود. هر چند باز هم کامل پودر نمی‌شوند. وقتی حنا ساییده شد تقریباً ۷۰ درصد آن می‌رود زیر الک. نخاله‌هایی را هم که به هر دلیلی خوب ساییده نشدن دور نمی‌ریزیم و دوباره می‌رود زیر سنگ تا الک شود. بعد از این که حنا تقریباً پودر شد معمولاً به آن یک چربی می‌زنیم که چند خاصیت دارد؛ از گر دوخاک محیط کار کم می‌شود و حنا‌ها به هم می‌چسبند. رنگ حنا را یک خرده جلا می‌دهد و سبزر و مشتری پسند می‌شود. هم وقتی آن را در کیسه‌های متقالی که در تاروپودش منفذ دارد، بسته‌بندی می‌کنیم، از پارچه‌رد نمی‌شود. قدیم‌ها این چربی روغن بیدانجیر یا همان کرچک بود و حالا روغن تخم آفتاب گردان. این چربی باید بی‌بو باشد، فاسد نشود و دوام هم داشته باشد.»



در گذر مازاری‌ها زیر ۱۰ نفر باقی‌مانده‌اند

«دخترهای امروزی شاید رنگ‌فرم حنا پسندشان نباشد و می‌روند موهایشان را هایلایت می‌کنند. در هر صورت چون حنا ارگانیک است هنوز هم برای مصرف‌کننده سنتی اعتبار دارد. بیشتر مشتری‌های ما هم از جاهایی است که هنوز مردم سنتی در آن زندگی می‌کنند مثل آذربایجان، لرستان، کردستان کل سلسله جبال البرز و زاگرس. کشورهای عربی هم مصرف حنا دارند ولی صادرات بستگی به روابط دولت‌ها دارد. الان سنگ‌های آسیاب بزرگ‌تر و قدرت تولید بیشتر شده. وقتی مشتری در بازار نگرده می‌شود کلید آسیاب را زد و خاموش کرد و مثل قدیم نیست که باید از شتر مواظبت کرد. الان در مقایسه با گذشته و متناسب با رشد جمعیت مصرف حنا رشد نکرده و در گذر مازاری‌ها زیر ۱۰ نفر مشغول تولید حنا هستند. بعضی در کنار ادویه هم می‌سایند چون حنا به تنهایی جوابگوی خرج‌ها نیست. برای همین اجازه نمی‌دهم هیچ کدام از اعضای خانواده ام مازاری شوند. یک شغل‌هایی با فناوری هماهنگ نیست و دارد می‌رود پی کارش. حنا هم عین همین است و دارد منسوخ می‌شود. من الان به خیلی از دوست و آشنا هم می‌گویم اگر الان یک کیسه حنای مجانی به شما بدهم چه کار می‌کنید؟ می‌گویند استفاده نمی‌کنیم. حنا و مازاری هم کالا و شغلی است که آدم‌های مدرن به آن نظر ندارند. امروزه شغل‌هایی مانند پیتزا فروشی و کافی‌نت و... پیشرفت می‌کند که مورد توجه جوان‌هاست.» این درد دل‌های آقای جوشن درباره پیشه حناسابی است که بخش بزرگی از فرهنگ ایران کهن است و دارد به فراموشی سپرده می‌شود.



می‌بازد. ما سعی می‌کنیم حنا برای زمان مصرف مشتری‌مان خوب باشد. یعنی موقع مصرف، تولید می‌کنیم؛ مثل نانوايي که نان تازه می‌دهد دست مردم. این است که کارگرهای ما معمولاً با نوسان بازار کم و زیاد می‌شوند. معمولاً دو تا سه نفر کارگر داریم و وقتی بازار اوج بگیرد تعدادشان بیشتر می‌شود.»

حنا آدم را پوست‌کلفت می‌کند

می‌خواهم از آقای جوشن خداحافظی کنم که می‌گوید بگذارید از قلق‌های حنا گذاشتن هم بگویم و این‌طور ادامه می‌دهد: «روش مصرف حنا و رنگ‌دادن آن در هر بدنی و هر آدمی فرق دارد. رنگ‌گیری حنا در نقاط مختلف بدن متفاوت است؛ مثلاً اگر پشت و روی دست را به یک اندازه از یک حنا بگذارید رنگش فرق می‌کند چون رنگ حنا، بسته به ذات مو و بدن و پوست انسان‌هاست. پایه موی هر آدم هم متفاوت است. بعضی موهایشان روشن‌تر و نرم‌تر است و زود رنگ می‌گیرد و بعضی

<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div><div>ZENDEGI - SALAM</div><div>ضمیمه روزنامه خراسان</div></div>	
یک شنبه • ۷ اسفند ۱۴۰۲	
۱۶ شعبان ۱۴۴۵ • ۲۶ فوریه ۲۰۲۴	
شماره ۲۱۴۳۹	
۲۶۵۸	

همای سعادت: افسانه یا واقعی؟!

ویدئویی از یک پرنده نادر در شبکه‌های اجتماعی پربازدید شده که گفته می‌شود خوشبختی می‌آورد؛ درباره آن چه می‌دانید؟

مجید حسین زاده | روزنامه‌نگار



هما، پرنده‌ای افسانه‌ای در فرهنگ ایرانی، نماد سعادت و خوشبختی است که دیدن آن به ندرت اتفاقی می‌افتد. با استناد به این ویدئویی که به تازگی در شبکه‌های اجتماعی پربازدید شده، برخی می‌گویند پرنده‌ای که «همای سعادت» نام دارد در طالقان دیده شده است. هما پرنده کمیابی نیست ولی کم جمعیت است. در زاگرس و البرز و البته از شمال آفریقا تا آسیای میانه، پراکنش دارد. گونه در معرض خطری هم نیست اما آسیب‌پذیر است. به‌خاطر رفتار، تغذیه و سبک زندگی منحصر به فرد، در ایران پرنده‌ای اسطوره‌ای است. با این حال در چند روز اخیر آن قدر واکنش‌ها گسترده بوده که هشتک#همای-سعادت تبدیل به ترند شبکه‌های اجتماعی شده است. به‌همین بهانه و در مینی پرونده امروز زندگی سلام بیشتر با این پرنده آشنا خواهیم شد.

❖ بیوگرافی مختصر از هما یا همان مرغ استخوان‌دار

از منظر پرنده‌شناسی نام علمی هما یا همان مرغ استخوان خوار، کرکس ریش‌دار نامیده می‌شود. هُما گونه‌ای پرنده شکاری بزرگ‌جنه از تیره بازان و راسته‌بازسانان است که در ایران جنبه افسانه‌ای دارد و حتی در بناهای باقی‌مانده از دوره هخامنشی هم سر این پرنده وجود دارد. این پرنده که در کوه‌های مرتفع آفریقا، جنوب اروپا و آسیا از جمله مناطقی از ایران همچون منطقه حفاظت‌شده گئو زندگی می‌کند. هُما در تمام طول سال یک جا می‌ماند و هر فصل فقط یک یا دو تخم می‌گذارد. این پرنده مانند دیگر کرکس‌ها عمدتاً لاشه‌خوار است اما عمده غذای آن را مغز استخوان تشکیل می‌دهد. هما استخوان‌های بزرگ را از ارتفاع زیاد به روی سنگ‌ها پرتاب می‌کند تا به قطعات کوچک‌تر شکسته شود. گاهی هم از لاک‌پشت‌های کوچک زنده به همین روش تغذیه می‌کند. این پرنده تنها گونه کرکس است که رژیم غذایی آن تقریباً منحصر (۷۰ تا ۹۰ درصد) استخوان است. هُما را می‌توان در ارتفاعات و مناطق کوهستانی یافت. هُما اغلب مناطق متروک و صخره‌ای یا دره‌های مشرف به مراتع جایی‌را که چرندگان و شکارگران آن‌ها زیست می‌کنند کنام خود می‌کند. زیست در چنین مناطقی امکان دسترسی بالقوه جانور به اجساد جانوران شکار شده و مدارا را فراهم می‌کند. همای وحشی به پرهایش خاک سرخ می‌مالد تا ترسناک‌تر به نظر برسد.

❖ چرا لاشخور شد پرنده سعادت‌ما؟!

«علیرضا هاشمی»، مدیر انجمن پرنده‌شناسی طرّان هم در این باره می‌گوید: «تعداد کرکس‌ها در دنیا محدود است و در بین این‌ها، هما خیلی کمتر است و به همین دلیل خیلی مورد توجه هستند. کرکس‌ها در ایران معمولاً مهاجر هستند اما گونه‌ها بومی هست البته سرشماری دقیق درباره تعداد آن‌ها وجود دارد.» اکبر نعمتی، کارشناس مدیریت حیات‌وحش هم طی رشته‌توییتی در خصوص پرنده هما که فیلم آن در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، نوشته: «... شاید براتون یارادو کس ایجاد شد که چرا یک کرکس یا لاشخور شد پرنده سعادت‌در باور ما ایرانی‌ها؟... در افسانه‌ها دیدنش موجب خوش‌یمنی بوده است. جالب است بدانید در ادبیات کهن پارسی هر گاه پادشاهی در می‌گذشت و وی را وارثی برای جانشینی نبود، مردم را در میدانی جمع و همایی را راه می‌کردند، هما بر سر و شانه هر که می‌نشست آن فرد پادشاه سرزمین می‌شد...».

❖ همای سعادت از سرستون‌های تخت‌جمشید تا اشعار سعدی، حافظ و...

همای سعادت یا مرغ سعادت جایگاه ویژه‌ای در ادبیات و فرهنگ ایران زمین دارد و مشهور است که سایه‌اش بر سر هر که بيفتد به خوشبختی، سعادت و کامیابی خواهد رسید. به همین دلیل نقش هما در بسیاری از سرستون‌های تخت جمشید و جود دار دی‌ا حد اقل بر گرفته از اوست و اشعار بسیاری در ادبیات پارسی سروده‌شده‌اند که هما نقشی اساسی در آن‌ها دارد. مثلاً سعدی در یکی از بیت‌های اشعارش گفته: «همای بر همه مرغان از آن شرف دارد / که استخوان خور دو جانور نیازارد»، حافظ گفته: «همای اوج سعادت به دام‌ما افتد / اگر تورا گذری بر مقام ما افتد»، صائب تبریزی سروده: «پیرانه سر همای سعادت به من رسید / وقت زوال سایه دولت به من رسید» و ...

منابع این بخش از پرونده: ایسنا، خبرآنلاین و...

...